

در حقیقت علل مختلفی باعث میشوند که در موقع دیکته طرز و روش خط نویسنده را تغییر داده و ضایع مینمایند.

اولاً مخفی کردن خط اصلی در موقع نوشتن عمداً نویسنده خط عادی خود را تغییر داده و با شیوه دیگری می نویسد راست است که خود این عمل ممکن است روشنائی در تحقیقات ایجاد نماید.

ثانیاً اضطراب یا خجلت و حجبی که در موقع نوشتن در حضور بازپرس یا مأمورین دیگر کشف جرائم بوجود میآید حتی در نزد بیگناهان بالاخره جمیع شرایط و وسایل غیر عادی برای نویسنده راجع به محرر نوشتن - جای نشستن در موقع نوشتن - قلم و مرکب و غیره بدین نحو که در اغلب موارد متن نوشته که با وضعیت عادی و معمولی قبلاً نوشته شده و به بازپرس تسلیم میشود و یا آنکه در نزد متهم در موقع تفتیشات بدست آمده به مراتب بهتر از دیکته میباشد که با تمام احتیاطهای لازمه که بعداً تشریح میشود تهیه کرده باشیم.

دکتر ملک اسمعیلی

برای اساس تطبیق تعیین نماید

۱- در تعیین جعلیت یا اصالت نوشته (وقتی موضوع

تقلید یا تغییر صورت دادن خط باشد) هر قدر اوراق مورد مطالعه زیاد تر باشد کارشناسی آن آسان تر و مطمئن تر است - موضوع دیگری که اهمیت دارد اینست که اسناد مورد دقت تقریباً هم زمان باشند مقایسه خط شخص بزرگ با خط بچه یا با خط یک نفر شخص پیر مشکلات زیادی تولید کرده و اگر دقت مخصوص نشود هر چند هم که وسائل فنی خوبی در دست رس کارشناس باشد معیناً ممکن است نتیجه کار با اشتباهات بزرگی توأم شود.

استکتاب - دیکته - دیکته ابتداء بنظر میرسد

که برای اساس تطبیق بهترین وسیله است ولی نباید از نظر دور داشت که در مورد شخص متوفی در امور راجعه بارت قابل اعمال نبوده و در مورد مقصر فراری و کاغذ بی امضائی که شاکی آن خود را نشان نمی دهد نیز نمی توان از دیکته استفاده نمود و بد گفتم در مواردی هم که قابل اعمال است تنها وسیله بشمار نمی رود.

قصد استفان و اضرار بغیر در بزه جعل

تراشیدن و خراشیدن یا الحاق و محو کردن بزه و شایسته کیفر میداند

ولی بدیهی است که در بزه جعل چون در سایر

بزه ها (بغیر از بزه های غیر عمد) مجرد عمل مادی ساختن نوشته یا سند بزه نبوده و برای تحقق آن وجود عنصر معنوی

یعنی قصد اضرار بغیر و سوء نیت نیز لازم است.

ماده ۹۷ قانون کیفر همگانی بزه جعل را تعریف نموده

و عنصر مادی آن یعنی اعمالیکه بنظر قانونگذار جعل

محسوب میشوند بیان مینماید

ماده نامبرده هر گونه عملی را که بمنظور و انمود

کردن امری بر خلاف حقیقت باشد اعم از ساختن نوشته

یا سند یا مهر یا امضای اشخاص رسمی یا غیر رسمی یا

این معنی صراحتاً در ماده ۹۷ مذکور نیست ولی طبق موازین کلی و مستنبط از مواد مربوطه و فلسفه و روح قانون محل تردید و شبهه نیست چه قانون جز در موارد مخصوص هیچوقت نفس عمل مادی را بزه ندانسته و برای اینکه بز هکار قابل تعقیب و کیفر باشد اجتماع عنصر مادی یعنی ارتکاب عمل ممنوع یا استتکاف از انجام وظیفه قانونی و عنصر معنوی یعنی سوء نیت را لازم و ضروری می داند

شرط اول اضرار بغير در بزه جعل وجود منسب الیه و رقه مجعوله میباشد چه برای اینکه ضرری متوجه شخص شود باید وجود خارجی او محقق و معلوم گردد بنا بر این اگر سندی در ذمه شخصی که هویتش معلوم نیست جعل شود یا امضاء شخص مجهول ساخته شود یا مثلاً مهر شخصی که وجود ندارد استعمال شود نمی توان عمل را مشمول مواد مربوطه بجهل دانست چه یکی از ارکان اساسی جعل سند یا امضاء یا مهر که وجود منسب الیه آنها میباشد ناقص خواهد بود

دیوان کشور در آراء عدیده خود این رویه را اتخاذ کرده و تا وجود منسب الیه و رقه مجعوله محقق نشود بزه جعل را ثابت نمیداند. در مورد اتهام کسی تحت عنوان استفاده از برگهای مجعول و کلاهبرداری مبالغه از مال دولت شعبه ۵ دیوان کشور در دانه شماره ۳۴ مورخ ۱۸/۱/۱۸ چنین رأی داده است

«... لیکن بر حکم دادگاه این ایراد وارد است که دادگاه بدون تحقیق از اینکه شخصی که قبض به آن اسم تنظیم شده وجود داشته است که تصور ضرری برای او از تنظیم رقه مزور بشود یا نه مبادرت به حکم معمولیت آن نموده است در صورتیکه یکی از ارکان جعل و بالتبع تحقق عنوان استفاده از سند مجعول وجود خارجی شخصی است که رقه بنام او جعل شده ...»

و مورد اتهام چند نفر با استعمال مهر دیگران که منتهی بقرار منع تعقیب آنها شده و دادگاه استان نیز قرار ناهبرده را استوار کرده است در نتیجه نقاضای فرجامی محکوم علیه (اداره مالیه) شعبه پنجم دیوان کشور در دادنامه شماره ۱۰۶۰۸ و ۲۴۵۶ مورخ ۹/۱۱/۱۶ چنین رأی میدهد:

«... اعتراض دیگر دائر باین که متهمین مهر اشخاص را بدون اجازه آنها الصاق کرده اند علاوه بر اینکه این معنی محرز نشده که مهر اشخاص معین موجودی بر ضرر آنها بکار برده شده باشد ...»

در مورد اتهام کسی بجهل و استفاده از سند مجعول دادگاه جنائی در دادنامه شماره ۲۳۵ مورخ ۲۵-۱۲-۱۵ چنین رأی داده است:

«راجع بدعوی جعل چون بر حسب ادعای متهم امضاء دو نفر را جعل کرده بدون این که دو نفر مزبور وجود آنها محرز شده باشد و چون از جمله ارکان جعل آنست که منسب الیه نوشته مورد دعوی جعل وجود داشته باشد و در این مورد بشرح ادعای متهم امضاء دو نفر شخص مجهول را جعل کرده، لذا قضیه منطبق با موارد جعل نبوده و متهم قابل تعقیب نیست»

بعد از آنکه وجود منسب الیه و رقه مجعوله محقق شد باید قصد استفاده و اضرار بغير نیز وجود داشته باشد چه اگر ساختن و قه یا سند بقصد استفاده نبوده و ضرری متوجه منسب الیه آن نشود مورد را نمی توان منطبق با مواد مربوطه بجهل دانست مثلاً فرض کنیم که کسی برای شرخی و مزاح سند را جعل کند در این صورت بدیهی است که چون قصد استفاده و اضرار بغير وجود ندارد نمی توان از جعل منظور نظر مقنن صحبت نمود

ضرر وارده بغير ممکن است مادی باشد یا معنوی همانطور که استفاده جاعل هم ممکن است مادی باشد یا

«معنوی مبحث ضرر معنوی در رویه قضائی کشورهای خارجی مخصوصاً فرانسه اهمیت و توسعه فوق العاده زیادی پیدا کرده است و دادگاههای مدنی و کیفری ماهم کم کم این موضوع را طرف توجه قرار می دهند

موردیکه در چندی قبل در دیوان جنائی تهران مطرح بود از این حیث قابل توجه است شخصی با اتهام جعل چند ورقه توصیه نامه باسم یکی از اهالی معروف محل و اخذ وجه از اشخاص با ارائه اوراق توصیه نامه مورد تعقیب دادرسی شهرستان طبق ماده ۱۰۶ قانون کیفر همگانی قرار گرفته و دیوان جنائی با استدلال اینکه ضرر مادی متوجه منتسب الیه اوراق مجعوله نشده تا مورد داخل در مصادیق ماده ۹۷ شود ساختن اوراق توصیه نامه راجع و سائل تقلبی مذکور در ماده ۲۳۸ قانون کیفر همگانی دانسته و متهم را تحت عنوان کلاهبرداری محکوم مینماید در اثر تقاضای فرجامی دادستان استان دیوان کشور دادنامه نامبرده را شکسته و رسیدگی امر را به دیوان عالی جنائی تهران ارجاع کرده است. دیوان جنائی تهران متهم را جاعل در اسناد و نوشته های عادی تشخیص داده و چنین استدلال کرده است:

که گرچه ضرر وارده به منتسب الیه اوراق مجعوله مادی نمیباشد ولی جای تردید نیست که ضرر معنوی متوجه او شده است چه متهم از اسم مشارالیه استفاده کرده و بدین وسیله وجوهی از دیگران اخذ نموده است

دیوان کشور در آراء خود وجود ضرر معنوی را برای تحقق بزه جعل کافی میداندهیئت عمومی دیوان عالی کشور هم در این قسمت اظهار نظر نموده اند تفصیل قضیه ای که مورد رای هیئت عمومی قرار گرفته به قرار زیر است:

۲ نفر با اتهام نوشتن نامه و پاسخ آن بر خلاف

حقیقت از قول دو نفر دیگر متضمن اخبار غیر واقع برای گرفتار کردن کسی و استفاده از آن مورد تعقیب واقع ولی دیوان جنائی با استناد اینکه نوشتن نامه دروغ مشمول مواد ۹۷ و ۱۰۶ قانون کیفر همگانی نمیشود متهمان را تبرئه نموده که در اثر تقاضای فرجامی دادستان استان دیوان کشور دادنامه دیوان جنائی را شکسته و عمل را منطبق با مواد مورد استناد دادستان دانسته است. دیوان جنائی دیگر نیز که مرجع رسیدگی ثانوی بوده باین استدلال که:

«از نوشته های مورد اتهام چیزی که آثار جزائی یا حقوقی بضرر نویسنده داشته باشد دیده نمی شود مجرد نوشتن خبرهای دروغ جرم نبوده و امکان تعقیب شدن کسی از طرف مامورین ضرر مادی یا معنوی نسبت باو نیست تا بتوان نویسنده آنها را بر خلاف واقع جاعل و کاغذ ساز تلقی نمود»

عقیده دیوان جنائی اول را تأیید کرده است که بالنتیجه در اثر فرجامخواهی دادستان استان قضیه تحت نظر هیئت عمومی دیوان عالی کشور آمده و هیئت عمومی چنین رأی داده است:

«اعتراض مدعی العموم استیناف بر حکم محکمه جنائی در این مورد که عمل منتسب به متهمین جرم محسوب میشود وارد است زیرا قسمتی از مندرجات دو مکتوب موضوع اتهام قابلیت منشأ شدن برای تعقیب منسوب الیه و اجرای تحقیقات از او لا اقل توجه ضرر معنوی و ادبی نسبت به منسوب الیه داشته ... باتفاق آراء نقض و رسیدگی بمحکمه جنائی ... رجوع میشود»

بنابراین برای تحقق بزه جعل وجود ضرر معنوی یا ادبی کافی میباشد و ضرر معنوی هر گونه لطمه یا آسیبی است که بحیثیت یا شرافت شخصی وارد آمده و در جریانات زندگی و آتیه فامیلی یا اجتماعی او مؤثر

واقع شود ولی اشکال قضیه اینست که مفهوم ضرر مادی خیلی واضح و روشن و ثابت است در صورتیکه ضرر معنوی موضوعی است نظری و ملاک ثابتی برای تشخیص آن در بین نیست

در اغلب موارد عمل جعل مقدمه برای استفاده بعدی از ورقه مجعوله می باشد ولی ممکن است که قبلاً استفاده بعمل آمده باشد و جعل برای پنهان و محو کردن آثار استفاده قبلی صورت گیرد مثلاً صندوقداری ابتدا مقداری وجه از صندوق اختلاس نموده و بعداً برای مخفی کردن عمل خود در دفاتر و ارقام آن مرتکب جعل میشود.

در این مورد استفاده از جعل واقعاً قبل از عمل جعل انجام گرفته است ولی نمیتوان گفت که استفاده ای برای جاعل از عمل ارتكابی وجود نداشته و استفاده او همان پنهان کردن عمل اختلاس و امید فرار از کیفر است. دیوان کشور قصد پنهان کردن و یا محو نمودن آثار بزه قبل را در ارتكاب عمل جعل کافی برای تحقق عنصر معنوی می داند در موضوع اتهام کسی بیزه اختلاس و جعل در دفتر دیوان کیفر باین استدلال که «معمود متهم از بین بردن وجهی نموده بلکه منظور به حساب آوردن وجهی بوده که قبلاً خورده و به حساب نیاورده و با اینحال نمیتوان گفت که قصد اضرائی داشته و این اقدام قابل اضرار بغیر بوده»

متهم را در قسمت اتهام جعل تبرئه نموده و دادستان استان از این دادنامه فرجام خواسته است. شعبه ۲ دیوان کشور در دادنامه شماره ۳۵۲ مورخ ۲۴-۲-۱۸ چنین رای میدهد:

«دادگاه با استناد اینکه عمل متهم پس از اختلاس ۵۰ ریال بوده و منظور او از تحریف مزبور به حساب آوردن وجهی بوده که قبلاً خورده و به حساب

نیاز رده بوده است و استفاده دیگری از این عمل در نظر نداشته و با اینحال نمیتوان گفت که متهم قصد اضرائی داشته در صورتیکه منظور استفاده فقط این نیست که استفاده کننده بعد از ارتكاب تعقیب و تحریف در مقام استفاده برآید و اگر بمنظور کتمان و مخفی داشتن استفاده ای که قبلاً بعمل آمده مرتکب شود خود آن استفاده محسوب و قابلیت اضرار بغیر نیز خواهد داشت»

بنا بر این تقدم و تاخر عمل استفاده و عمل جعل تأثیری در وجود رکن معنوی بزه جعل نداشته و کافی است که استفاده قبلاً یا بعداً بعمل آید تا بزه تحقق یابد و منظور از استفاده ممکن است فقط محو کردن آثار بزه دیگر که قبلاً جاعل مرتکب آن شده است باشد.

توجه ضرر بغیر در بزه جعل ممکن است واقعی باشد یا احتمالی، باین معنی که گاهی ضرر بمحض این که کسی در مقام استفاده از ورقه مجعوله بر آید متوجه منتسب الیه آن شده چون ارائه سند مجعول بر علیه کسی در دادگاه و گاهی توجه ضرر فقط احتمالی بوده و ممکن است که استعمال ورقه مجعوله ضرری بمنتسب الیه آن وارد آورد ولی همان احتمال ضرر کافی برای تحقق عنصر معنوی میباشد چون در مورد جعل نامه و پاسخ دروغ که در بالا بآن اشاره نمودیم در اینجا بعقیده دیوان کشور همان احتمال تعقیب و دستگیری منتسب الیه نامه و پاسخ دروغ توجه ضرر بمشار الیه می باشد.

در مورد دیگر دیوان کشور قابلیت اضرار بغیر را کافی برای تشکیل عنصر معنوی بزه جعل دانسته است تفصیل قضیه بقرارد است:

یک نفر مأمور وصول درآمد با اتهام جعل در ته چك و اختلاس مبلغی مورد تعقیب واقع و دیوان کیفر با استناد اینکه جعل در ته چك ضرری متوجه مؤدیان مالیات

نمینماید متهم را در این قسمت تبرئه نموده است - شعبه ۲ دیوانگشور در دادنامه شماره ۱۱۹۷ مورخ ۳۰ ر ۵۸۰۳۰ چنین رأی میدهد: « مستند دادگاه در حکم تبرئه متهم از عمل جعل این بوده که نه چک (بر گهای مورد دعوای جعل) نسبت بمؤدیان مالیات و عوارض سند محسوب نمیشود و میزان پرداخت مؤدی از روی سر چک که در دست اوست معین میشود بنابراین نوشتن چیزی در نه چک برخلاف حقیقت جعل نخواهد بود و این استدلال صحیح نیست چه سندیت نه چک لازم نیست فقط در مقابل مؤدیان مالیات و عوارض باشد بلکه بطوریکه معمول است اشخاص صاحب جمع میزان وجوه دریافتی خود را از روی نه چک معین میکنند و تا درجه از این حیث قابل استناد می باشد و بهر تقدیر بطور مطلق نمی توان گفت نه چک بهیچوجه دارای اثر نبوده و قابلیت اضرار ندارد»

بنابراین اولاً قابلیت اضرار بغير کافی بوده و ثانیاً لازم نیست که احتمال ضرر متوجه شخص معینی باشد بلکه بمرجود اینکه ورقه مجعوله قابلیت اضرار بکسی را داشته و در امری ممکن التاثير باشد عنصر معنوی بزه جعل تحقق میابد - در جعل اسناد رسمی ممکن است توجه ضرر بدولت باشد نه باشخاص و نحوه عمل ممکن است طوی باشد که چه در اسناد رسمی و چه در اسناد عادی ضرر احتمالی بطور غیر مستقیم متوجه اشخاص بسیاری بشود.

حال باید دید که فقط قصد استفاده و اضرار بغير در جعل نوشته یا سندی کافی است یا امکان منطقی استفاده و اضرار بغير نیز لازم و ضروری می باشد.

این مسئله دارای اهمیت زیادی است چه ممکنست کسی بقصد استفاده در مقام جعل سند یا نوشته ای بر آید ولی بعلمتی امکان استفاده از ورقه مجعوله در نتیجه امکان

متوجه ساختن ضرر بمنتسب الیه آن مجال و غیر متصور باشد مثلاً کسی مصالحه نامه عادی جعل و باستناد آن بر علیه دیگری اقامه دعوی می نماید دادگاه باین استدلال که «حقوق این ثبتی (ماده ۴۷ قانون ثبت اسناد) مصالحه نامه باید رسمی باشد تا بتوان بآن ترتیب اثری داد خواهان را محکوم بمیحقی مینماید یا مثلاً شخصی باستناد سند مجعولی در دادگاه بر علیه دیگری اقامه دعوی نموده و مجعولیت سند در دادگاه محرز و ترتیب اثری بآن داده نمیشود در این دو مورد آیا ممکن است از جعل سند صحبت نمود؟ عده راعقیده آنست که چون در مثال اول ورقه مجعوله سندیت نداشته و نمیتوان قانوناً آنرا مستند دعوی قرار داد و در مثال دوم مجعولیت ورقه در دادگاه محرز شده و استفاده از آن ممکن نمیباشد باین جهت بعلمت عدم امکان استفاده و اضرار بغير عمل جعل فاقد عنصر معنوی بوده و بالتبقی بزه محسوب نمی شود و همچنین است به عقیده این دسته اسناد و اوراق مجعولی که با عدم مهارت و ناشیگری ساخته شده یا بطور محسوس در آنها دست برده شده است مثلاً حك والحاقی با مرکب بعمل آمده در صورتیکه متن سند با جوهر می باشد.

در این نوع موارد چون مجعولیت ورقه یا سند در اولین مرحله آشکار شده و امکان منطقی استفاده برای جاعل یا مستفید از آن در بین نیست باینجهت بعقیده این دسته عمل با مواد مربوطه بجعل منطبق نخواهد بود پروا این رویه در تأیید عقیده خود علاوه بر جهات مذکور به تئوری بزه های مجال متصل شده و چنین استدلال می کنند که همانطور که مثلاً اگر شخصی جسدی را هدف گلوله قرار دهد نمیتوان عمل را مشمول ماده ۱۷۰ قانون کیفر همگانی دانست چه عمل قتل (عناصر مادی بزه قتل) در روی جسد مرده محال می باشد همانطور هم اگر شخصی نوشته ای را بخیال استفاده از آن جعل کند ولی استفاده غیر ممکن و محال باشد عمل مشمول ماده ۱۷۰

جمل نخواهد بود.

رویه دیوان کشور بر خلاف عقیده این دسته بوده و دیوان نامبرده چنین استدلال می کند که بمحض اینکه کسی در مقام استفاده از ورقه معمولی بر آید عنصر معنوی بزه جمل تحقق پیدا کرده خواه ورقه معمولی بعلتی فاقد سندیت بوده و خواه بعلت اینکه معمولیت آن در دادگاه محرز شده مورد استفاده واقع نشود و بعقیده دیوان کشور مجرد ارائه سند در دادگاه استفاده از آن محسوب می شود. شعبه ۵ دیوان نامبرده در دادنامه شماره ۲۱۸۴ مورخ ۱۸-۹-۶۷ راجع باتهام کسی با استفاده از سند معمول با علم بجمعیت آن که دادگاه جنائی باین استدلال که چون معمولیت سندی که متهم بدادگاه ارائه داده محرز گردیده و ترتیب اثری بآن داده نشده و بدین لحاظ زیانی باصحاب دعوی بواسطه واضح بودن بطلانش وارد نیامده اورا تبرئه کرده بوده چنین رأی می دهد: « مفاد اعتراضات دادستان اینست که دادگاه با احراز اینکه متهم ورقه معمول را برای استفاده بدادگاه حقوق داده و معمولیت آن در نظر دادگاه ثابت شده معذک بعنوان اینکه معمولیت سند محرز شده و فایده نبخشیده او را تبرئه نموده است و این اعتراض وارد است چه آنکه بمحض تقدیم سند معمول بدادگاه و استناد بآن بر علیه طرف عمل استفاده از سند تمام شده محسوب است خواه آن سند مفید واقع شده و فائده از آن حاصل گردد و یا آنکه بواسطه ثبوت

معمولیت فایده از آن حاصل نگردد»

این رویه بعقیده نگارنده منطقی بنظر نمی آید چه شرط تحقق بزه علاوه بر عنصر مادی وجود رکن معنوی یعنی سوء نیت و قصد اضرار بغير است حال اگر این قصد وجود داشته باشد ولی بعلل خارجی که اراده فاعل در آنها مداخلیتی نداشته عملی کردن آن ممکن نشود نباید بزهکار معاف از کیفر شود و مقایسه این مورد با بزه های محال منطقی بنظر نمی آید چه در بزه های محال چون هدف قرار دادن جسم متوفی گرچه عنصر معنوی که قصد بزه کار است موجود می باشد ولی انجام عمل ممنوع که رکن مادی بزه است غیر ممکن و ممنوع می باشد در صورتی که در مورد ما نحن فیه عنصر مادی بزه که عمل جعل است وجود داشته و قصد استفاده و اضرار بغير نیز موجود بوده و باینجهت ارکان اساسی بزه کامل میباشند

توضیحی را که در صفحات قبل در قسمت عنصر معنوی بزه جعل داده شد میتوان چنین خلاصه نمود: قصد استفاده و اضرار بغير یکی از ارکان اساسی بزه جعل می باشد حال ممکن است که ضرر مادی باشد یا معنوی واقعی یا احتمالی و مجرد قصد استفاده کافی می باشد خواه امکان منطقی استفاده وجود داشته باشد یا نه و بمحض ارائه سند معمولی در دادگاه عمل استفاده انجام میگیرد خواه اثری بآن مترتب بشود یا نه

دکتر علی اصغر پور همایون

مسئولیت مدنی اشخاص حقوقی (قانون مدنی فرانسه)

منظور معینی باشند صفت شخصیت حقوقی داده است
اشخاص حقوقی مانند افراد جامعه در مقابل از دادها

قانون به بنگاهها و یا شرکت هائی که از اجتماع
چندین نفر تشکیل شده و دارای سرمایه برای انجام